

مطالعات فقه و حقوق اسلامی

سال ۱۴ - شماره ۲۸ - پاییز ۱۴۰۱

صفحات ۱۹۵ - ۲۱۸ (مقاله پژوهشی)

تأثیر احتیاط گرائی بر استنباط فقهی

سعید ضیائی فر*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۹

چکیده

احتیاط گرائی یکی از امور تأثیر گذار بر فقه است و دو قسم موجّه و غیر موجّه دارد. لازم است تأثیرات این دو بر فقه شناخته شده و از یکدیگر تفکیک شوند. پرسش این است که احتیاط گرائی غیر موجّه چه تأثیراتی بر استنباط داشته است؟ با بررسی مشخص می شود که احتیاط گرائی غیر موجّه، تأثیراتی در کاهش استفاده از قرآن، عقل، و ملاکات احکام داشته است در حالی که در وضعیّت مطلوب نباید چنین تأثیری را داشته باشد؛ چون اینها ظرفیّت فراوانی برای استفاده در استنباط دارند و احتیاط گرائی مانع استفاده موجّه از آنها شده است؛ همچنین احتیاط گرائی نقش بسزائی در افزایش تمسک به اجماع و روایات داشته است در حالی که برخی از آن دو، واجد شرایط اعتبار نیستند و باید از قلمرو استنباط فقهی کنار گذاشته شوند تا فقه متناسب با انتظارات از آن در هر زمان رشد داشته باشد.

کلیدواژه: تأثیر احتیاط گرائی، ملاک حکم، آیات، عقل، روایات معتبر، اجماع نامعتبر.

مقدمه و طرح بحث

فقه امامیه مزایای بی شماری دارد ولی برخی آسیب‌ها در برخی سبک‌های فقهی به چشم می‌خورد که یکی از آنها «احتیاط گرائی» است. گاهی برخی فقیهان در برخی بررسی‌های فقهی برخوردی احتیاط‌آمیز دارند که تأثیر قابل توجهی در استنباط آنان داشته و دارد. در این مقاله درصدد بررسی این پرسش هستیم که احتیاط گرائی در طول تاریخ چه تأثیرات مهمی بر استنباط داشته است؟ این بررسی فقیه را به صورت مستند و مستدل بر پیامدهای آن آگاه می‌کند و زمینه پرهیز از پیامدهای منفی و بهره‌گیری از پیامدهای مثبت را فراهم می‌سازد. افزون بر آن، یکی از ویژگی‌های بارز جریان اخباری‌گری، احتیاط گرائی است. این جریان فکری حدود دو قرن به صورت رسمی بر حوزه‌های علمی امامیه غلبه داشت و چون به صورت جریانی همسو با ظاهر ابتدائی برخی روایات می‌نمود برخی از پیامدهای فکری آن و مشخصاً «احتیاط گرائی» در لایه‌های پنهانی از استنباط برخی از فقیهان از آن زمان تاکنون با شدت و ضعف‌هایی ادامه یافته، بلکه به دلیل رسوخ و هیمنه آن گروهی را ناخواسته تحت تأثیر قرار داده است. از اینرو شناخت دقیق تأثیراتی که احتیاط گرائی بر استنباط فقهی داشته است به بررسی دقیق و عمیق تحقیقی نیاز دارد که در این نوشتار تلاش می‌شود تا زوایای موضوع بررسی شود.

پرسش این است که احتیاط گرائی چه تأثیرات مهمی بر استنباط فقهی داشته است؟ قبل از بحث لازم است مراد خویش را از مبادی تصویری بحث روشن کنیم:

۱- مبادی تصویری

۱-۱- مراد از تأثیر

گاهی مراد از تأثیر این است که بر همه یا بیشتر دانشوران یک علم تأثیر گذاشته و گاهی مراد از تأثیر این است که بر برخی دانشوران یک علم تأثیر گذاشته است؛ البته مراد ما از تأثیر، هر دو قسم است.

گاهی مراد از تأثیر این است که بر همه یا بیشتر مسائل یک علم تأثیر گذاشته و گاهی مراد از تأثیر این است که بر برخی از مسائل یک علم تأثیر گذاشته است (ضیائی فر، ۱۳۹۰: ۲۷-۲۸). ما در این نوشتار در صدد اثبات تأثیر حد اقلی و فی الجمله هستیم.

۲-۱- مراد از فقه و استنباط فقهی

گاهی مراد از فقه، فتوای فقهی است که از آن به فقه فتوایی تعبیر می شود و گاهی مراد از آن همه مراحل است که فقیه طی می کند تا به فتوا دست می یابد که بنا به مشهور سه مرحله است: الف) مرحله احراز صدور متن دینی، ب) مرحله احراز جهت صدور متن دینی برای بیان حکم شرعی فرا زمانی و فرا مکانی، ج) مرحله بررسی دلالت متن دینی بر مدعا (شیخ انصاری، ۱۴۱۶: ۱۰۸/۱) و گاهی مراد از آن، اعم از این سه مرحله و مرحله اثبات ضوابط آن (مانند ضوابط اصولی) است که البته مراد ما معنای اخیر است.

۳-۱- مراد از احتیاط

احتیاط در اصطلاح علم فقه در معنایی و در اصطلاح علم اصول در معنای دیگری به کار می رود و غیر از آن دو، کاربرد های دیگری هم دارد:

الف) احتیاط در اصطلاح علم اصول

هنگامی که اصل حکم تکلیفی یا وضعی معلوم است ولی متعلق آن مشکوک است مقتضای قاعده اصولی، لزوم مراعات هر دو امر است که به آن قاعده احتیاط می گویند (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۹: ۱۲۴/۲). این قاعده در موارد دیگری هم به کار می رود؛ مانند امور مهمه (تبریزی، ۱۳۸۷: ۳۴۴/۴) که احتیاط به این معنا مطلوب است و محل بررسی این نوشتار نیست.

ب) احتیاط به معنای انجام عمل به شکل غیر مخالف با حکم واقعی شارع

در این کاربرد، احتیاط به معنای رفتار عملی است. بدین معنا که انسان به گونه ای رفتار کند که مخالفت با احکام شرعی واقعی از وی سر نزنند؛ هر چند اماره یا اصل

معتبری بر نبود حکم الزامی اقامه شده باشد و وجود حکم شرعی در حدّ یک احتمال غیر معتبر باشد نه احتمال معتبر (کاشف الغطاء، ۱۳۸۳: ۵۲/۱)؛ احتیاط به این معنا مطلوب است و محلّ بررسی این نوشتار نیست.

ج) احتیاط در بکارگیری استانداردهای لازم برای بررسی مسأله فقهی

معنای دیگر احتیاط، بکارگیری همه استانداردهای لازم در بررسی علمی از جمله فقه است. توضیح این که در بررسی علمی باید اموری را رعایت کرد تا بررسی در میان دانشوران یک رشته علمی حدّ اقلّهای لازم را برای یک بررسی علمی داشته باشد (مانند روشمندی، بکارگیری دقیق ضوابط معتبر، همه جانبه نگری و ...). احتیاط در این کاربرد به معنای مواظبت بر بکارگیری همه استانداردهای لازم و ترس از عدم بکار نرفتن یکی از امور لازم در بررسی علمی است و امری کاملاً موجه است. این احتیاط، امری اندیشه ای است ولی ناظر به روش و فرآیند بررسی است. احتیاط به این معنا مطلوب است و محلّ بررسی این نوشتار نیست.

د) احتیاط به معنای عدم اقدام مناسب پس از بکارگیری امور لازم

معنای دیگر احتیاط، عدم اقدام مناسب به رغم رعایت همه امور لازم در بررسی علمی است. بعد از این که دانشور یک رشته علمی همه استانداردهای لازم در بررسی علمی (از جمله بررسی فقهی) را رعایت کرد نباید ترسی از نتایج بکارگیری ضوابط و روش های معتبر داشته باشد ولی برخی دانشوران جرأت اقدام مناسب را پس از رعایت استانداردها ندارند؛ برای نمونه هنگامی که فقیه همه مراحل سه گانه استنباط (بررسی صدور، جهت صدور، دلالت) را با دقت کافی و روشمندی همراه با بکارگیری ضوابط معتبر انجام می دهد دیگر نباید نسبت نتایج آن نگران بوده و احتیاط کرده و اقدام مناسب را انجام ندهد. برای نمونه، اگر دیدگاهی که مشهور فقیهان به آن گرایش نشان داده اند از یکی از جهات فاقد وجاهت علمی لازم باشد و مقتضای ادله معتبر، نظر دیگری باشد فقیه باید نظر مشهور و نهاد و از نظر دیگر دفاع کند ولی

گاهی احتیاط گرائی غیر موجّه باعث می شود که از نظر مشهور رویگردان نشده و به نظر جدیدی روی نیاورد.

ناگفته نماند که این احتیاط گرائی گاهی در فقه فتوائی است و گاهی در عملیات استنباط (بکارگیری ضوابط از پیش اثبات شده) است و گاهی در اثبات ضوابط اصولی، رجالی و قواعد فقهی و ... می باشد.

احتیاط در این معنا یک نوع طرز تفکر برخاسته از یک خصلت و روحیه است. آن چه محلّ اصلی بحث ما در این نوشتار است، این نوع از احتیاط می باشد.

به نظر نگارنده، احتیاط به این معنا پیامد هایی در استنباط (چه در فقه فتوائی، چه در بکارگیری ضوابط از پیش اثبات شده، چه در اثبات ضوابط اصولی، رجالی و قواعد فقهی و ...) داشته است که در این نوشتار مهم ترین آنها را بررسی می کنیم تا مدّ نظر فقه پژوهان قرار گیرد و در فقه پژوهی به آنها توجه داشته و از آسیب های آن در امان باشند؛ از اینرو در اینجا پیامد های احتیاط گرائی به معنا اخیر را بررسی می کنیم.

۲- پیامدهای احتیاط گرائی در معنای اخیر

۲-۱- کاهش استفاده از قرآن در استنباط فقهی

قرآن کریم اصلی ترین منبع فقه است؛ لذا باید نقش محوری در استنباط داشته باشد. مقتضای منبع بودن قرآن، استفاده از آن برای فقه است ولی نقش آن در فقه کمتر از حدّ انتظار رشد کرده است که نمی توان احتیاط گرایي را در این زمینه بی تأثیر دانست؛ چراکه احتیاط گرایان، ظواهر قرآن را از زمره متشابهات دانسته و استنباط حکم فقهی را از ظواهر آن معتبر نمی دانند بلکه می گویند اکثر قرآن برای انسان های غیر معصوم قابل فهم نیست. قرآن در سطح عقل معصومان (ع) نازل شده است و نسبت به عقل دیگر انسان ها به شکل معماگونه است. از اینرو فقط معصومین می توانند قرآن

را بفهمند و دیگر انسان ها تنها از راه آنان می توانند قرآن را بفهمند؛ پس ظواهر قرآن به صورت مستقیم معتبر نبوده و باید نسبت به استنباط از آنها احتیاط داشت (استرآبادی، ۲۶۹: ۱۴۲-۲۷۰).

اگر این دیدگاه باعث شود فقهی که ظواهر قرآن را حجّت می داند در تمسک به آن تحت تأثیر قرار گیرد این تأثیری احتیاط آمیز خواهد بود. همان طور که مشاهده می شود این امر بر برخی از فقیهان تأثیر گذاشته شده است، چون به غیر از اخباری های افراطی، دیگر فقیهان، ظواهر قرآن را حجّت می دانند (اردبیلی، بی تا: ۱) لذا برخی از اخباری ها هم در کتاب های فقهی خود به ظاهر آیات تمسک کرده (فیض کاشانی، ۱۴۲۹: ۳۲۱/۱؛ بحرانی، ۱۴۰۵: ۷۹/۸) و هم عدم حجّت آن را نقد کرده اند (فیض کاشانی، ۱۳۹۰: ۴۹). بررسی ها نشان می دهد که مراجعه فقیهان به قرآن در استنباط احکام فقهی دستکم به موازات رشد تمسک به دیگر ادله، افزایش نیافت؛ چراکه بیشتر آیات فقهی قرآن از قبیل ظواهرند و در باره بسیاری از آنها روایتی از معصومین نرسیده است و بنابر دیدگاه احتیاط گرائی، قابل تمسک نیستند؛ لذا از این دوره، هم تمسک به آیات قرآن در متن کتاب های استدلالی فقهی در حد تمسک به دیگر ادله فقهی افزایش نیافت و هم نگارش کتاب های آیات الاحکام در میان دانشوران امامیه به شکل چشمگیری کاهش یافت.

شاهد عدم افزایش تمسک به قرآن این است که در طول تاریخ فقه، تمسک به ادله فقهی رشد یافته است؛ برای نمونه، حجم جواهر الکلام نسبت به المبسوط حدود ده برابر شده است و هر دو یک دوره کامل فقه اند ولی تمسک به آیات قرآن در جواهر الکلام، در حد تمسک به دیگر ادله فقهی مانند روایات و اجماع افزایش نیافته است؛ لذا تمسک فقهی مانند صاحب جواهر به قرآن - که حدود دو قرن پس از شروع اخباریگری است - در حد تمسک شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق) فقیه قرن پنجم است (صرامی، ۱۳۹۲: ۹۲) در حالی که هشت قرن میان این دو فاصله است و رشد تمسک

به ادله در این هشت قرن بسیار فراوان بوده است و عدم رشد در تمسک به قرآن متناسب با رشد تمسک به دیگر ادله، در واقع کاهش تمسک به قرآن است؛ بلکه ممکن است گفته شود که میزان تمسک به آیات قرآن در متن کتاب های استدلالی فقهی از میزان تمسک به دیگر ادله فقهی مانند روایات و اجماع کاهش یافته است به گونه ای که انتقاد برخی از دانشوران درباره کمی استفاده از قرآن را به همراه داشت (علامه طباطبائی، بی تا: ۲۷۶/۵؛ مطهری، ۱۳۸۳: ۳۴۲/۹)؛ حتی برخی از اخباری های معتدل نسبت به آن واکنش نشان داده و آن را تفریطی برشمردند (بحرانی، ۱۴۲۳: ۳۳۹/۲).

شاهد دیگر برای کاهش تمسک به قرآن این است که در طول تاریخ فقه، در بیشتر قرن ها کتاب آیات الاحکام تدوین می شده است. طبق گزارش های معتبر ۳۰ کتاب در آیات الاحکام توسط دانشوران امامیه نوشته شده است که بیشترین نرخ آنها مربوط به قرن ۱۰ و ۱۱ است (طهرانی، بی تا: ۴۴-۴۰/۱) ولی این حرکت رو به رشد نه تنها به رشدش ادامه نداد بلکه پس از پیدایش تفکر احتیاط گرای اخباریگری کاهش یافت؛ گرچه اخباریگری پس از مغلوبیت در ۳ قرن اخیر بسیار تضعیف شد و چهره های شاخصی در میان آنان کمتر سر برآوردند ولی افرادی مانند سید عبد الله شبر (م ۱۲۴۲ق) و حاجی نوری (م ۱۳۲۰ق) وجود داشته اند که دستکم احتیاط گرایی در آنها بوده و با وفات آنان همه شاخص های تفکر اخباریگری به طور کلی ریشه کن نشد به گونه ای که همه رگه های تفکر اخباریگری هرچند به صورت رقیق شده و ضعیف، در میان همه فقیهان از بین بروند؛ لذا در دوره تسلط تفکر احتیاط گرایی نرخ تدوین آیات الاحکام به پائین ترین نرخ رسید و برخی فقیهان پس از اخباری ها در تمسک به ظواهر برخی آیات دچار تردید شدند (مامقانی، ۱۳۱۶: ۴۱۶/۳؛ اراکی، ۱۴۱۵: ۴۸/۲؛ قمی، ۱۴۲۳: ۱۸۲/۵).

۲-۲- کاهش استفاده از عقل در استنباط

از دوران حضور، فقیهان عقل‌گرایی مانند فضل بن شاذان، یونس بن عبدالرحمن و ... وجود داشتند (مدرسی طباطبائی، ۱۳۶۸: ۳۰-۳۷)؛ در دوران غیبت هم می‌توان از فقیهان عقل‌گرا یاد کرد، مانند ابن عقیل، ابن جنید و دیگران که این مطلب در آثار فقهی و اصولی آنان مشهود است (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۲۲؛ سید مرتضی، ۱۴۱۵: ۲۴، ۲۶۸، ۴۴۵، طوسی، ۱۳۸۷: ۴/۷) پس از تدوین فقه اجتهادی در امامیه عقل رسماً منبع استنباط ذکر شد (ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۱/۴۶-۴۹۶؛ همو، ۱۱۶/۲-۴۸۴) و پس از آن در کتاب‌های فقیهان امامیه عقل به عنوان یکی از ادله مطرح و فراوان بکار گرفته شد که مراجعه به آثار فقهی و اصولی قرن‌های هفتم تا دهم به خوبی این مطلب را نشان می‌دهد (محقق حلّی، ۱۳۶۴: ۲۸/۱؛ محقق اردبیلی، بی تا: ۷۳-۳۸۰؛ ضیائی فر، ۱۳۹۷: ۲۳-۱۸۴). یکی از انتقادهای اخباری‌ها نسبت به فقیهان عقل‌گرا آن است که آنان از عقل در فقه استفاده می‌کنند (استرآبادی، ۱۴۲۶: ۳۲۳). به اعتقاد اخباری‌ها عقل در استنباط احکام شرعی اعتباری ندارد (همان: ۲۴۱ و ۳۰۰؛ جزائری، ۱۴۰۴: ۱۳۱/۳-۱۳۳). اگر این دیدگاه باعث شود فقهی که عقل را حجت می‌داند در تمسک به آن تحت تأثیر قرار گیرد این تأثیری احتیاط‌آمیز خواهد بود. همان‌طور که مشاهده می‌شود این امر بر برخی از فقیهان تأثیر گذاشت، چون بجز گروهی از اخباری‌ها، دیگر فقیهان عقل را در فقه حجت می‌دانند (وحید بهبهانی، ۱۴۲۴: ۹/۴۴۶؛ حسینی مراغی، ۱۴۱۷: ۱/۴۲۴؛ سبحانی تبریزی، ۱۴۲۳: ۲/۴۱۱). فقیهان پس از اخباری‌ها نیز از عقل فراوان استفاده کردند (نراقی، ۱۳۷۵: ۱۷۳؛ شیخ انصاری، ۱۴۱۵: ۵۶) ولی با توجه به تغییرات گسترده پدید آمده به ویژه در چند سده اخیر، در صورت نبود جریان احتیاط‌گرایی اخباری، میزان استفاده از عقل بیش از این گسترش می‌یافت (مطهری، ۱۳۸۳: ۹/۳۴۲؛ جوادی آملی، ۱۳۹۶: ۲۹؛ گرجی، ۱۳۸۵: ۱/۱۴۳) در حالی که می‌بینیم گروهی از فقیهان پس از اخباری‌ها در تمسک به دلیل عقلی در برخی موارد، تردید و تشکیک

کرده اند (شریف کاشانی ۱۴۲۸: ۳۰/۱؛ اصفهانی، ۱۴۱۶: ۳۸۳؛ جزائری، ۱۴۱۶: ۵۱۲/۴).

۳-۲- گسترش فراوان تمسک به روایات

سنت، گسترده ترین منبع فقه است ولی همه روایات که بناست ناقل سنت باشند قابل استناد در فقه نیستند؛ چراکه استناد همه آنها به شیوه معتبر به معصوم، ثابت نشده است ولی تفکر اخباریگری نقش بلا منازعی برای روایات در استنباط قائل است.

غالب اصولی ها معتقدند اعتبار هر روایتی جداگانه باید بررسی شود؛ یعنی می گویند اگر روایتی در معتبر ترین کتاب حدیثی مانند کافی باشد باید وثاقت تمام راویان میان معصوم و میان نویسنده کتاب، احراز شود؛ البته تعداد بسیار اندکی از اصولی ها مانند محقق نائینی در خصوص کتاب کافی، کتاب محور شده اند (خوئی، ۱۴۱۳: ۸۱/۱) و برخی از آنان قلمرو اعتبار حدیث را یا به روایات مقطوع الصدور محدود می دانند (سید مرتضی، ۱۳۴۶: ۵۲۹/۲ و ۲۶/۱) و برخی از آنان به روایات موثوق الصدور (محقق حلّی، ۱۴۰۷: ۲۹/۱؛ آملی، ۱۳۸۰: ۲۶۰/۶) و برخی از آنان به روایات شخص موثق (خوئی، ۱۴۱۳: ۲۰/۱) و تعداد اندکی از آنان روایات مظنون الصدور را هم حجّت می دانند (قمی، ۱۴۳۰: ۲۳۸/۴).

ولی اخباری ها کتاب محورند؛ آنان هر روایتی را که در کتاب های مورد اعتماد است حجّت می شمردند. شیخ حرّ عاملی کتاب های مورد اعتمادی که مستقیم (حرّ عاملی، ۱۴۱۶: ۱۵۹/۳۰) یا توسط دیگر کتاب نقل شده (همان: ۱۶۵/۳۰) را ۱۷۸ کتاب می داند؛ بعضی ۷۲ کتاب دیگر که شیخ حرّ در وسائل از آنها نقل نکرده به روایات قابل استناد در فقه افزودند (نوری، ۱۴۰۸: ۱۲/۱) در حالی که کتاب هائی که اخباری ها با وصف کتاب های مورد اعتماد ذکر می کنند بنا بر تحقیق، بر شش قسم اند که تنها بخشی از روایات قسم اول در فقه قابل استنادند.

الف) برخی از این کتاب ها به شیوه معتبری به دست ما رسیده اند ولی همه روایاتش در فقه قابل استناد نیستند؛ مثل تهذیبین که تنها روایات معتبرش در فقه قابل استناد است.

ب) برخی از این کتاب ها به معصوم انتساب داده شده (حرّ عاملی، ۱۴۱۶: ۱۵۸/۳۰، ش ۵۵) ولی انتسابش به معصوم به شکل معتبری ثابت نیست؛ مانند تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام (خوئی، ۱۴۱۳: ۱۶۳/۱۸؛ شوشتری، ۱۴۱۰: ۷۳/۱).
ج) برخی از این کتاب ها به افراد مورد اعتمادی استناد داده شده اند ولی از نظر تاریخی ثابت نیست که وی چنین کتابی داشته است، مانند اختصاص، منسوب به شیخ مفید که شاگرد وی نام آن را در کتابی که برای تألیفات راویان نوشته در زمره کتاب های شیخ مفید ذکر نکرده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۹۹-۴۰۲).

د) برخی از این کتاب ها مؤلفان قابل اعتمادی دارند ولی معلوم نیست این نسخه موجود از کتاب، همان نسخه ای است که مؤلف تدوین کرده است و شاید به آن افزوده شده باشد، مانند جعفریات (منتظری، ۱۴۱۶: ۳۶۵-۳۶۶؛ همو، ۱۴۱۵: ۳۷۳/۱) گرچه برخی به راحتی آن را قابل استناد پنداشته اند (نوری ۱۴۱۷: ۱۵/۱؛ حلّی، ۱۴۲۸: ۱۵۱).

ه) برخی از این کتاب ها مؤلفان قابل اعتمادی دارند ولی ثابت شده است که به آنها مطالبی اضافه شده است؛ مانند تفسیر قمی که در متن نسخه کنونی موارد زیر آمده است: رجوع به حدیث علی بن ابراهیم (قمی، ۱۴۰۴: ۳۱۳/۱ و ۳۴۴) یا تفسیر علی بن ابراهیم (همان: ۱۲۰/۱؛ ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۹۰ و ۲۹۹).

و) برخی از این کتاب ها مؤلفان قابل اعتمادی ندارند؛ مانند عوالی اللئالی (شیخ انصاری، ۱۴۱۶: ۶۹/۴) از اینرو روایات بسیاری از کتاب های روائی قابل استناد در فقه نیست.

به هر حال، یکی از علّت‌های گسترش استناد به روایات، این ترس و احتیاط بود که مبادا در میان روایات، دیدگاه معصوم نهفته باشد و با بی‌اعتنائی به آنها، به سنت بی‌اعتنائی شده باشد؛ پس نمی‌توان به راحتی از کنار روایات گذشت، لذا در نظر آنان هاله‌ای از قداست گراگرد همه یا بیشتر نقل‌ها را گرفته است؛ گرچه نقل‌هایی باشند که صدور آنها از معصوم به شیوه معتبری ثابت نشده باشد در حالی که حجّت، روایتی است که به شیوه معتبری سنت را اثبات می‌کنند، نه نقلی که ناقلیت‌ش محرز نشده است، تا چه رسد به نقل‌های ضعیف.

یکی از قرائن تأثیر احتیاط‌گرایی بر گسترش تمسک به روایت آن است که موافقت مفاد روایت با احتیاط را یکی از قرائن تقویت‌کننده صدور روایت ذکر کرده اند (حرّ عاملی، ۱۴۱۴: ۵۷۷/۸) همان‌طور که احتیاط را یکی از مرجّحات در هنگام تعارض دانسته اند (فیض کاشانی، ۱۳۹۰: ۸۶)؛ پس تأثیر اجمالی فقیهان اصولی از اخباری‌ها مشخص می‌شود (سیستانی، ۱۴۱۴: ۹۴).

۴-۲- گسترش فراوان تمسک به اجماع

اجماع اولین بار در اندیشه اهل سنت مطرح شد؛ لذا اخباری‌ها با آن مخالف اند (استرآبادی، ۱۴۲۶: ۲۶۵؛ حرّ عاملی، ۱۴۱۸: ۵۵۰/۱) چون از یک سو، ضابطه‌ای غیر شیعی است و از سوی دیگر، مصادیق بسیار اندکی از آن کاشف از نظر معصوم است (مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۲۶/۲) ولی دانشوران اصولی امامیه تلاش کردند با بومی‌سازی آن، تفسیری متناسب با مبانی امامیه از آن ارائه داده و به گونه‌ای آن را کاشف از دیدگاه معصوم قرار دهند (شیخ طوسی، ۱۳۷۵: ۲۲۶). استفاده از اجماع تا قرون میانی در فقه درون‌مذهبی امامیه بسیار گسترده نبود بلکه نقدهایی هم نسبت به آن وجود داشت (محقق حلّی، ۱۳۶۴: ۳۱/۱). بیشتر در برابر ادله دیگر مذاهب فقهی استفاده می‌شد (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۵۲؛ سید مرتضی، ۱۴۱۵: ۱۲۰؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۷: ۳۲۲/۳) ولی با دور شدن از عصر حضور، نیاز به اجماع بیشتر احساس شد و چون بنا بر تفسیر امامیه،

اجماع به ملاک کاشفیت از نظر معصوم، حجت بود لذا این ترس و احتیاط پدید آمد که مبادا در اجماع، دیدگاه معصوم نهفته باشد و با بی اعتنائی به آن، به دیدگاه معصوم بی اعتنائی شود؛ پس نمی توان به راحتی از کنار اجماع و ادعای اجماع گذشت؛ به ویژه با این تأکید که فقیهان نزدیک به عصر حضور، واسطه میان ما و معصومان اند (وحید بهبهانی، ۱۴۱۶: ۲۷۲ و ۳۶۴) و اگر بر مطلبی اتفاق نظر داشته باشند عادتاً اطمینان پیدا می شود که آن را از معصوم گرفته اند (منتظری، ۱۴۱۵: ۵۳۳-۵۳۴).

پس قداست معصوم، به اجماع حاوی دیدگاه وی هم سرایت کرد ولی این قداست، کم کم به هر اجماعی (ولو غیر واجد شرایط) تعمیم داده شده و پس از آن به تدریج به عدم وجدان خلاف و سپس به ادعاهای اجماع هم گسترش یافت و همین طور به تدریج، در نظر برخی به شهرت و ادعای آن هم کشیده شد.

یکی از عواملی را که نمی توان از نقش آن غفلت کرد احتیاط و ترس از مخالفت با اجماع در بردارنده نظر معصوم بوده است بلکه احتمال وجود اجماع هم باعث نوعی احتیاط در همراهی یا عدم مخالفت با آن می شد. به دیگر سخن، همان هاله‌ای از قداست که گرداگرد روایات در نظر اخباری ها وجود داشت به گونه‌ای که نمی شد از عدم استناد به آنها سخن گفت، دقیقاً گرداگرد اجماع در نظر گروهی از فقیهان اصولی مسلک وجود داشته و دارد؛ به گونه‌ای که نمی شود حتی با احتمال اجماع هم مخالفتی انجام داد، تا چه رسد به اجماع احراز شده؛ لذا در کلام بسیاری از فقیهان هم، به عنوان نخستین دلیل ذکر می شود (بحرالعلوم، ۱۴۰۳: ۲۳۱/۱؛ قمی، ۱۴۱۷: ۲۵۳/۱؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۱۸۶/۱۷؛ حکیم، ۱۴۱۶: ۲۰۲/۱۱) بلکه برخی اجماع را بر خبر متواتر ترجیح داده و برای آن وجهی ساخته اند (وحید بهبهانی، ۱۴۲۴: ۳۰۰/۹) و هم به اجماع بسیار استناد می شود (وحید بهبهانی، ۱۴۱۷: ۳۷۷؛ کاشف الغطاء، ۱۳۸۰: ۳۳/۲؛ شیخ انصاری، ۱۴۱۵: ۴۰۶).

تأثیر فراوان اجماع در فقه تا حدی است که برخی گفته اند برای اثبات هیچ مسأله شرعی چاره ای جز تمسک به اجماع نیست؛ حال یا به تنهایی یا به کمک آن (وحید بهبهانی، ۱۴۲۴: ۴۷/۱) یا گفته اند که اگر اجماع نبود نه فقه ستونی داشت، و نه برگ سبزی (کاظمی، ۱۴۱۳: ۳۱).

همین طور بسیاری از فقیهان بعد از وحید بهبهانی از فهم مشهور به عنوان دلیل و دستکم به عنوان مؤید استفاده کرده اند (همدانی، ۱۴۱۷: ۲۶۰/۳؛ حلی، ۱۳۷۹: ۳۵/۱؛ خوانساری، ۱۴۰۵: ۴۸۴/۱) بلکه برخی گفته اند اگر فهم مشهور را قرینه و راهنمای فهم خود قرار ندهیم باعث تأسیس فقه جدید می شود (اشتهاردی، ۱۴۱۷: ۳۱/۵). روشن است که ترس از پیدایش دیدگاه‌هایی جدید در فقه با نوعی احتیاط و محافظه کاری همراه است.

مؤید ارتباط اجماع و احتیاط این است که در عبارت برخی از فقیهان، اجماع با احتیاط همراه شده است (سبزواری، ۱۴۲۱: ۸۴؛ رازی، ۱۴۲۷: ۲۱۲/۲؛ شریف کاشانی، ۱۴۲۸: ۵۸۶/۲؛ سبزواری، ۱۴۱۳: ۲۵۴/۲۷) و برخی از فقیهان، یکی از بیماری های فقه رایج را قرار گرفتن اجماع در درجه اول منابع فقهی از نظر اهمیت ذکر کرده اند (مطهری، ۱۳۸۳: ۳۴۰/۹؛ جوادی آملی، ۱۳۹۶: ۲۹).

۲-۵- کمی استفاده از ملاک در استنباط احکام غیر عبادی

فقیهان، احکام را به احکام عبادی و غیر عبادی تقسیم کرده اند. یکی از فرق های این دو دسته آن است که شارع، بنیانگذار احکام عبادی است ولی در احکام غیر عبادی، بنیانگذار نیست، بلکه این احکام علی القاعده عقلانی بوده و شارع نقش اصلاح گری نسبت به آنها دارد؛ از اینرو ملاکات آنها هم علی القاعده همان ملاکاتی است که عقلا برای احکامشان در نظر می گیرند و در نتیجه، قابل فهم و قابل استفاده در اجتهاد اند مگر در جایی که شارع، حکمی برخلاف حکم عقلا داشته باشد که نه ملاکش را بیان کرده باشد و نه به شیوه معتبر دیگری قابل فهم باشد ولی شناخت

ملاکات عبادات علی القاعده، موقوف به نصّ است؛ چون همه جنبه های احکام عبادی اختراعی اند و مخترع آن باید در باره آنها اظهار نظر کند؛ از اینرو عقل و عقلا نسبت به شناخت ملاک های احکام عبادی احاطه ای ندارد (همدانی، ۱۴۱۷: ۳۷۹/۱۳).

مقتضای عقلانی و در نتیجه، قابل فهم بودن ملاکات احکام غیر عبادی، قابلیت استفاده از آنها در اجتهاد است؛ لذا فقیهانی که به احتیاط گرائی ناموجه دچار نشده بودند فراوان از ملاک حکم در استنباط احکام غیر عبادی استفاده می کردند (محقق حلی، ۱۳۶۴: ۴۱/۱؛ حلی، ۱۴۱۵: ۳۴۸/۶؛ کرکی، ۱۴۰۸: ۱۴۰۸: ۳۵۲/۵؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۲۴۷/۷)؛ دلیل آن هم روشن است، چون از دو حالت بیرون نیست: یا ملاکات احکام غیر عبادی در آیه یا روایت ذکر نشده است و یا ذکر شده است. در صورت اول، علی القاعده ملاکات این احکام همان ملاکات عقلانی و قابل فهم اند و در نتیجه، قابل استفاده در اجتهاد اند و در صورت دوم، علی القاعده این ملاکات از قبیل علتّ اند، نه حکمت؛ و هنگامی که در نصّ چیز دیگری ذکر نشد عرفاً بر انحصار علتّ دلالت می کند و علتّ منحصره بر وجود حکم در هنگام وجود علتّ، و بر عدم حکم در هنگام عدم علتّ دلالت می کند.

ولی در مقابل، برخی از فقیهان احتیاط گرا، منوط دانستن احکام به علل قابل فهم برای مجتهد را با مبانی اصولی اهل سنت سازگار دانسته اند، نه با مبانی اصولی امامیه (استرآبادی، ۱۴۲۴: ۷۶)؛ پس یا از علتّ استفاده نکرده اند و یا آن را به صورت خاصی (کشف مناط حکم به صورت قطعی) محدود کرده اند (بحرانی، ۱۴۲۳: ۳۱۸/۳) لذا گروهی از فقیهان پس از اخباری ها نیز بسیاری از موارد آن چه در نصّ ذکر شده است را ملاک حکم ندانسته و با توجیهاتی از آنها در استنباط استفاده نکرده اند (تبریزی، ۱۳۶۹: ۴۷۳؛ بروجردی، بی تا: ۲۷؛ شریف کاشانی، ۱۴۲۸: ۱۶۶/۱-۱۶۷) و یا استفاده از مناط را در استنباط به جایی که مناط یقیناً مشخص می شود منحصر

کرده اند (طباطبائی، ۱۴۱۲: ۴۱۸/۱۲؛ بحرالعلوم، ۱۴۰۳: ۲۰۰/۱؛ رشتی، ۱۳۱۱: ۳۲۰) در حالی که هر جا علت به شیوه معتبری کشف شود حجت است؛ هرچند یقینی نباشد، لذا در جایی که مناط از راه ظهور عرفی هم فهمیده شود حجت است (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۷/۲۳؛ یزدی، ۱۴۲۱: ۲۲/۱؛ آشتیانی، ۱۳۶۲: ۱۳۹).

بر این اساس می‌توان گفت تفکر احتیاط‌گرائی باعث شد که قلمرو استفاده از مناط حکم در استنباط، به موازات تکامل فقه، رشد نکند بلکه از سوی برخی فقیهان احتیاط‌گرا بسیار محدود شود (بحرانی، ۱۴۲۳: ۵۶/۱).

۶-۲- کاهش تحوّل و نوآوری موجّه در فقه

علم فقه به عنوان یک رشته علمی به مرور زمان از برخی جهات ممکن است به تحوّل موجّه و ضابطه‌مندی نیاز داشته باشد. اگر ما ادعا داریم که فقه یک رشته علمی مانند سایر رشته‌های علمی است باید اقتضائاتی که یک رشته علمی دارد را بپذیریم. اگر در سایر رشته‌ها نوآوری می‌شود باید بپذیریم که در فقه هم نوآوری می‌تواند صورت بگیرد (مطهری، ۱۳۸۳: ۱۸۷/۲۰) لذا عدم توجه به مسائل روز یکی از نواقص فقه شیعه در حال حاضر ذکر شده است (مطهری، ۱۳۸۳: ۳۴۰/۹) و این سخن درباره برخی سبک‌ها و گرایش‌های فقهی امامیه صحیح است.

گاهی روحیه احتیاط‌گرائی باعث می‌شود که دانشوران یک رشته علمی، تحولات بایسته را در آن پدید نیاورند و باعث عدم پیشرفت و تحوّل آن متناسب با نیازهای زمان گردند. همان‌طور که شیخ طوسی ضرورت نوعی تحوّل در فقه را احساس می‌کرد ولی به علت احتیاط و ترس از برخوردهای ناموجّه، آن را به تأخیر می‌انداخت اما سرانجام احتیاط را کنار گذاشت و منشأ پیدایش یکی از بزرگ‌ترین تحولات در فقه امامیه شد (۱۳۸۷: ۲/۱).

پس از تدوین فقه اجتهادی و گسترش آن، تفکر احتیاط‌گرای اخباریگری با فقه اجتهادی مخالفت کرد. از یک سو، نقدهای نظری به فقه اجتهادی متوجّه گردید

(استرآبادی، ۱۴۲۶: ۷۷) و از سوی دیگر، عملاً تلاش شد تا فقه اجتهادی به صورت فقه روایی بازگردانده شده و یا به آن نزدیک شود (مانند تدوین کتاب های فقه روایی نظیر هدایه الامه توسط شیخ حرّ عاملی).

با توجه به این که علم فقه یکی از علوم اسلامی است که بیشترین ارتباط را با زندگی مردم و تحولات آن دارد؛ از اینرو لازم است متناسب با تغییرات زندگی، تغییرات موجّه و ضابطه مندی در آن رخ دهد و دیدگاه های جدیدی در آن طرح و بررسی شود، ولی گاهی عواملی مانند احتیاط گرائی باعث می شود تا از طرح دیدگاه های ضابطه مند جدید در علم فقه به بهانه های مختلف جلوگیری شود؛ مثلاً گاهی با این شعار که این دیدگاه، مستلزم فقه جدید است (اراکی، ۱۳۷۷: ۴۷۱) ایجاد ترس و وحشت می شود و فقیه به خاطر عواملی نظیر احتیاط و پرهیز از متهم شدن از اظهارنظر جدید (چه در مسائل فقهی، چه در دیگر جنبه های آن مانند رویکرد، روش، ساختار و ...) خود داری می کند؛ بلکه گاهی از طرح و بررسی علمی هم منصرف می شود و در جهت تحوّل آن گامی بر نمی دارد.

یکی از قرائن تأثیر احتیاط گرائی در کاهش نوآوری و تحوّل، استفاده از تعبیری است که در کلمات فقیهان قبل از اخباری ها مشاهده نمی شود؛ تعبیری مانند «فقه جدید» (آشتیانی، بی تا: ۲۲۲/۳؛ اصفهانی، ۱۴۱۹: ۳۸۹/۴؛ کزازی، ۱۴۱۴: ۱۴۱/۲؛ رشتی، بی تا: ۴۰۹) «دین جدید و بدیع» (مدنی کاشانی، ۱۴۰۸: ۱۶۸؛ لاری، ۱۴۱۸: ۳۱۷/۱) و «تخریب فقه» (موسوی قزوینی، ۱۴۲۳: ۶۱۸/۷؛ جواهری، ۱۴۲۷: ۹۳/۴).

روشن است که ترس از پیدایش دیدگاه های جدید یا تحوّل در فقه، با روحیه احتیاط گرائی سازگار است.

نتیجه گیری و پیشنهاد

در این مقاله به صورت ایجاب جزئی مشخص شد که احتیاط گرائی به معنای غیر قابل دفاع آن، بر استنباط برخی فقیهان تأثیر گذاشته است و برخی از تأثیرهای مهم

احتیاط گرائی بر استنباط عبارتند از: کاهش توجه به قرآن، عقل، ملاک حکم و نوآوری و افزایش تمسک به اجماع و روایت.

اگر بناست که فقه متناسب با نیازها و انتظارات از آن در هر زمان رشد کند باید روحیه احتیاط گرائی غیر قابل دفاع را کنار گذاشت؛ یعنی اگر جائی دلیل معتبری بر اعتبار ادله، ضوابط، روش ها، رویکرد ها و دیدگاه های گذشته گذشته بود باید به آنها پایبند بود و گرنه آنها را وا نهاد؛ و نمی توان تنها به این دلیل که گذشتگان گفته اند تحت تأثیر احتیاط گرائی قرار گرفت و بر آنها اعتماد کرد مگر جائی که ذیل دلیل معتبری چون اجماع واجد شرایط، قرار گیرد که مصادیق آن بسیار اندک است؛ همچنین اگر جائی دلیل معتبری بر اعتبار ادله، ضوابط، روش ها، رویکرد ها و دیدگاه های جدیدی بود باید به آنها پایبند بود و نمی توان تنها به این دلیل که گذشتگان نگفته اند تحت تأثیر احتیاط گرائی قرار گرفت و نسبت به آنها بی اعتنا بود، مگر جائی که ذیل دلیل غیر معتبری چون قیاس قرار گیرد؛ پس از یک سو، باید از همه منابع، ادله، ضوابط، روش ها، رویکرد ها و دیدگاه های معتبر به تناسب ظرفیت آنها به صورت کامل استفاده کرد. برای نمونه هم قرآن، هم عقل، هم ملاک های احکام و ... ظرفیت بیش از وضعیت کنونی برای استفاده در فقه، نوآوری و تحوّل در آن را دارد؛ از اینرو باید ظرفیت های آنها بیشتر مورد مداقه و بازنگری قرار گیرد؛ مواردی که موجه است استفاده شود و دیگر اموری که توان تحوّل در فقه را دارند به صورت کامل شناسائی کرد و از آنها استفاده موجه حدّ اکثری داشت و از سوی دیگر، باید همه اموری که نقش منفی در تحوّل فقه دارند مانند احتیاط گرائی به معنای چهارم، را شناسائی نمود و تأثیر ناموجه آنها را در فقه کاهش داده و بلکه از بین برد. برای نمونه، گرچه به نظر نگارنده باید از روایات معتبر، اجماع واجد شرایط حتماً در فقه استفاده شود ولی موارد استفاده ضابطه مند از این دو در وضعیت مطلوب، بسیار کمتر از وضعیت کنونی است؛ پس نباید روحیه احتیاط گرائی غلبه کند و روایت و اجماعی

که واجد شرایط نیستند، مستند قرار گیرند؛ گرچه فقیهان بزرگی آن را مستند قرار داده باشند. همچنین داشتن روش سلف گرائی در حدّ سلف ستائی، جمود گرائی و رویکرد تعبّدی در احکام غیر عبادی، بی اعتنائی تامّ نسبت به فقه دیگر مذاهب در استنباط و ... موجه نیستند. باید احتیاط گرائی نا موجه را کنار گذاشت و به نقش های ناموجه آن در فقه خاتمه داد که بررسی تحقیقی و گسترده آنها فرصت دیگری می طلبد.

منابع

- آشتیانی، محمدحسن (۱۳۶۲)، **کتاب القضاء**، قم: هجرت.
- آملی، محمدتقی (۱۴۲۹ق)، **مصباح الهدی فی شرح العروه الوثقی**، مطبعه الفردوسی.
- آملی نجفی، میرزا هاشم (۱۴۰۶ق)، **المعالم المأثوره**، تقریر: محمدعلی اسماعیل پور قمشه ای، ج ۴، قم: مؤلف.
- ابن ادریس حلّی، محمد بن ادریس (۱۴۱۰ق)، **السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی**، ج ۱ و ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- ابن زهره حلبی، حمزه بن علی (۱۴۱۷ق)، **غنیة النزوع الی علمی الاصول و الفروع**، قم: مؤسسه الامام الصادق(ع).
- اراکی (آیه الله)، محمدعلی (۱۴۲۱ق)، **کتاب الصلاه**، ج ۲، قم: مؤلف.
- اراکی (آیه الله)، محمدعلی (۱۳۷۷)، **کتاب النکاح**، قم: نورنگار.
- اراکی (آیه الله)، محمدعلی (۱۴۱۵ق)، **کتاب الیبع**، ج ۲، قم: در راه حق.
- اردبیلی (مقدّس)، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق)، **مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الأذهان**، ج ۳، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- اردبیلی (مقدّس)، احمد بن محمد (بی تا)، **زبدہ البیان فی احکام القرآن**، تهران: المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه.
- استرآبادی، محمد امین (۱۴۲۴ق)، **الفوائد المدنیة**، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- اشتهااردی، علی پناه (۱۴۱۷ق)، **مدارک العروه**، ج ۵، قم: دار الاسوه.
- اصفهانی، محمدحسین (۱۴۱۹ق)، **حاشیه المکاسب**، بی جا: محقق.

- اصفهانی، محمدرضا (۱۴۱۶ق)، **نجمه المراتد**، اصفهان: مؤسسه فرهنگی مطالعاتی الزهراء سلام الله عليها.
- انصاری (شیخ)، مرتضی بن محمدامین (۱۴۱۶ق)، **فرائد الاصول**، ج ۴ و ۵، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- انصاری (شیخ)، مرتضی بن محمدامین (۱۴۱۵ق)، **کتاب النکاح**، قم: المؤتمر العالمی بمناسبة الذکری المئویة الثانيه لمیلاد الشیخ الانصاری.
- ایروانی، میرزا علی (۱۳۷۹)، **حاشیه المکاسب**، ج ۲، ۲، تهران: رشیدیہ.
- بحر العلوم، سید محمد (۱۴۰۳ق)، **بلغه الفقیه**، ج ۱، ۴، تهران: مکتبه الصادق (ع).
- بحرانی، شیخ یوسف (۱۴۰۵ق)، **الحدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره**، ج ۵ و ۸، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- بحرانی، شیخ یوسف (۱۴۲۳ق)، **الدرر النجفیة من الملتقطات الیوسفیة**، ج ۲ و ۳، بیروت: دار المصطفی لاحیاء التراث.
- بروجردی، محمدتقی (بی تا)، **نخبه الافکار**، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- تبریزی، جواد (۱۳۸۷)، **دروس فی مسائل علم الاصول**، ج ۲، قم: دار الصدیقه الشهیده.
- تبریزی، جواد (۱۴۱۶ق)، **إرشاد الطالب فی التعلیق علی المکاسب**، ج ۳، قم: اسماعیلیان.
- تبریزی، موسی (۱۳۶۹ق)، **اوثق الوسائل فی شرح الرسائل**، قم: کتبی نجفی.
- تهرانی، سید محمدحسین (۱۴۲۸ق)، **صلاه الجمعه**، قم: عرش اندیشه.
- تهرانی، محسن (بی تا)، **الذریعه الی تصانیف الشیعه**، قم: اسماعیلیان.
- جبعی عاملی (شهیذ ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۰ق)، **الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیة**، ج ۷، قم: داورى.
- جزائری، سید محمدجعفر (۱۴۱۶ق)، **هدی الطالب فی شرح المکاسب**، ج ۴، قم: دار الکتاب.
- جزائری، سید نعمت الله (۱۴۰۴ق)، **الانوار النعمانیة**، ج ۳، ۴، بیروت: مؤسسه الاعلمی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۶)، **فقه مسائل مستحدثه و کرسی های درس خارج**، قم: معاونت پژوهش حوزه های علمیه.
- جواهری، حسن (۱۴۲۷ق)، **بحوث فی الفقه المعاصر**، قم: مجمع الذخائر الاسلامیه.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، **هدایه الامّه الی احکام الائمه (ع)**، ج ۸، مشهد: مرکز البحوث الاسلامیه.

- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۸ق)، **الفصول المهمّة في اصول الاثمه (ع)**، ج ۱، قم: مؤسسه معارف اسلامي امام رضا(ع).
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق)، **تفصيل وسائل الشيعه الى تحصيل مسائل الشريعة**، ج ۳۰، ج ۳، قم: مؤسسه آل البيت.
- حسینی شیرازی، سيد محمد (بی تا)، **إيصال الطالب إلى المكاسب**، تهران: اعلمی.
- حسینی مراغی، سيد مير عبدالفتاح (۱۴۱۷ق)، **العناوين الفقيهيه**، ج ۱، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- حکيم، سيد محسن (۱۴۱۶ق)، **مستمسک العروه الوثقی**، ج ۱۱، قم: دار التفسیر.
- حلّی (علامه)، حسن بن يوسف (۱۴۱۴ق)، **تذکره الفقهاء**، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث.
- حلّی (علامه)، حسن بن يوسف (۱۴۱۵ق)، **منتهی المطلب في تحقيق المذهب**، ج ۶، مشهد: مجمع البحوث الاسلاميه.
- حلّی (محقق)، جعفر بن حسن (۱۳۶۴)، **المعتبر في شرح المختصر**، ج ۱، قم: مؤسسه سيد الشهداء.
- حلّی، حسين (۱۳۷۹)، **دليل العروه الوثقی**، تقرير: حسن سعيد، ج ۱، نجف اشرف: مطبعة النجف.
- خوانساری، سيد احمد (۱۴۰۵ق)، **جامع المدارك في شرح المختصر النافع**، ج ۱ و ۶، ج ۲، تهران: مکتبه الصدوق.
- خوئی، سيد ابوالقاسم (۱۴۱۳ق)، **معجم رجال الحديث**، ج ۵، بی جا: بی نا.
- خوئی، سيد ابوالقاسم (۱۴۱۹ق)، **مصباح الفقاهه**، تقرير: محمد علی توحیدی، قم: مکتبه الداوری.
- رازی، محمد تقی (۱۴۲۷ق)، **تبصره الفقهاء**، ج ۲، قم: مجمع الذخائر الإسلاميه.
- رشتی، حبيب الله (بی تا)، **بدائع الافکار**، قم: مؤسسه آل البيت.
- رشتی، حبيب الله (۱۳۱۱ق)، **كتاب الاجاره**، بی جا: بی نا.
- سبحانی تبریزی، جعفر (۱۴۲۳ق)، **الإنصاف في مسائل دام فيها الخلاف**، ج ۲، قم: مؤسسه امام صادق(ع).
- سبزواری، سيد عبدالأعلى (۱۴۱۳ق)، **مهذب الأحكام**، ج ۲۷، ج ۴، قم: مؤسسه المنار.
- سيد مرتضى (علم الهدی)، علی بن حسين (۱۴۱۵ق)، **الانتصار في انفرادات الاماميه**، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

- سید مرتضی (علم الهدی)، علی بن حسین (۱۴۱۷ق)، **مسائل الناصریات**، تهران: رابطه الثقافه و العلاقات الإسلامیه.
- سید مرتضی (علم الهدی)، علی بن حسین (۱۳۴۶)، **الذریعه الى اصول الشریعه**، ج ۱ و ۲، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- سیستانی، سید علی (۱۴۱۴ق)، **قاعده لا ضرر و لا ضرار**، قم: دفتر آیه الله سیستانی.
- شبر، سید علی (۱۳۸۳ق)، **العمل الأبقی**، نجف اشرف: مطبعه النجف.
- شریف کاشانی، ملا حبیب الله (۱۴۲۸ق)، **منتقد المنافع، کتاب الطهاره**، ج ۲، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- شهیدی، فتاح (بی تا)، **هدایه الطالب الى أسرار المكاسب**، قم: دار الکتب.
- شوشتری، محمدتقی (۱۴۱۰ق)، **قاموس الرجال**، ج ۱، ج ۲، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- صرامی، سیف الله (۱۳۹۲)، **جایگاه قرآن در استنباط احکام**، ج ۲، قم: بوستان کتاب.
- صیمری، مفلح (۱۴۰۸ق)، **تلخیص الخلاف**، قم: کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی (ره).
- ضیائی فر، سعید (۱۳۹۰)، **مکتب فقهی امام خمینی**، تهران: عروج.
- ضیائی فر، سعید (۱۳۹۳)، **تفاوت اخباری ها و اصولی ها با تأکید بر قرائت آیه الله آصفی**، اندیشه ماندگار مجموعه مقالات درباره اندیشه و آثار علامه محمدمهدی آصفی، قم: بوستان کتاب، ۹۹-۱۳۳.
- ضیائی فر، سعید (۱۳۹۷)، **جایگاه مبانی کلامی در اجتهاد**، ج ۳، قم: بوستان کتاب.
- طباطبائی بروجردی، سید حسین (۱۴۱۵ق)، **نهایه الاصول**، تقریر: حسینعلی منتظری نجف آبادی، تهران: بی تا.
- طباطبائی بروجردی، سید حسین (۱۴۱۶ق)، **البدر الزاهر فی صلاه الجمعه و المسافر**، تقریر: حسینعلی منتظری نجف آبادی، ج ۳، قم: دفتر آیه الله منتظری،
- طباطبائی یزدی؛ سید محمد کاظم (۱۴۲۱ق)، **حاشیه المكاسب**، ج ۲، قم: اسماعیلیان.
- طباطبائی (صاحب ریاض)، سید علی (۱۴۱۲ق)، **ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل**، ج ۱۲، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- طباطبائی (علامه)، سید محمد حسین (بی تا)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، ج ۵، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۰ق)، **المؤتلف من المختلف**، مشهد: مجمع البحوث الإسلامیه.

- طوسی (شیخ الطائفه)، محمد بن حسن (۱۳۷۵ق)، **الاقتصاد الهادی الی طریق الرشاد**، تهران: چهل ستون.
- طوسی (شیخ الطائفه)، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق)، **المبسوط فی فقه الإمامیه**، ج ۷، ج ۳، تهران، المكتبه المرتضویه.
- طوسی (شیخ الطائفه)، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق)، **الخلاص**، ج ۳، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- عراقی، ضیاء الدین (۱۴۱۴ق)، **شرح تبصره المتعلمین**، تقریر: علی کزازی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۲۹ق)، **معتصم الشیعه**، ج ۱، تهران: مدرسه عالی شهید مطهری.
- فیض کاشانی، ملا محسن (۱۳۹۰)، **الاصول الاصلیه**، تهران: سازمان چاپ دانشگاه.
- قمی، سید تقی (۱۴۲۳ق)، **الدلائل فی شرح منتخب المسائل**، ج ۵، قم: محلاتی.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق)، **تفسیر القمی**، ج ۱، ج ۳، قم: دار الکتاب.
- قمی، ابوالقاسم (۱۴۳۰ق)، **القوانین المحکمه فی الاصول المتقنه**، ج ۴، قم: مؤسسه السیده المعصومه (س).
- قمی، ابوالقاسم (۱۴۱۷ق)، **غنائم الأيام**، ج ۱، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- قمی، علی (۱۴۲۱ق)، **جامع الخلاف و الوفاق بین الامامیه و بین ائمه الحجاز و العراق**، قم: زمینه سازان ظهور.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، **الکافی**، ج ۴، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- کاشف الغطاء، جعفر (۱۳۸۰)، **کشف الغطاء**، ج ۲، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- کاشف الغطاء، علی (۱۳۸۳ق)، **النور الساطع فی الفقه النافع**، ج ۱، نجف: مطبعه الآداب.
- کاظمی، اسدالله (۱۴۱۳ق)، **کشف القناع عن وجوه حجه الاجماع**، قم: موسسه آل البيت (ع).
- کرکی، علی بن حسین (۱۴۰۸ق)، **جامع المقاصد فی شرح القواعد**، ج ۵، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- گرجی، ابوالقاسم (۱۳۸۵)، **درنگی در مکتبها و دوره‌های اصولی**، چاپ شده در جایگاه شناسی علم اصول، ج ۱، به کوشش سیدحمیدرضا حسنی و مهدی علی پور، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- لاری، سید عبدالحسین (۱۴۱۸ق)، **التعلیقه علی المکاسب**، ج ۱، ج ۲، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.

- مامقانی، محمدحسن (۱۳۱۶ق)، **غایه الآمال فی شرح کتاب المکاسب**، ج ۳، قم: مجمع الذخائر الإسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر بن محمدتقی (۱۴۱۰ق)، **بحار الأنوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار**، ج ۶۲، بیروت: مؤسسه الطبع و النشر.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۴ق)، **ملاذ الاخيار فی فهم تهذيب الاخبار**، ج ۲، قم: کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی (ره).
- مدرسّی طباطبائی، سیدحسین (۱۳۶۸)، **مقدمه‌ای بر فقه شیعه**، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی.
- مدنی کاشانی، آقا رضا (۱۴۰۸ق)، **کتاب الديات**، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- مرعشی نجفی، سید شهاب الدین (۱۴۱۵ق)، **القصاص علی ضوء القرآن و السنه**، تقرير: سيد عادل علوی، قم: کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی (ره).
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۳)، **یادداشت‌های استاد مطهری**، ج ۹، ج ۲، قم: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۶)، **مجموعه آثار شهید مطهری**، ج ۲، تهران: صدرا.
- مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۱ق)، **الفقه علی المذاهب الخمسه**، ج ۲، ج ۱۰، بیروت: دار التیار الجدید - دار الجواد.
- مفید (شیخ)، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق)، **الإعلام**، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- منتظری نجف آبادی، حسینعلی (۱۴۱۵ق)، **دراسات فی المکاسب المحرمه**، ج ۱، قم: تفکر.
- موسوی قزوینی، سید علی (۱۴۲۳ق)، **تعلیقه علی معالم الاصول**، ج ۷، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- موسوی گلپایگانی، سید محمدرضا (۱۴۱۲ق)، **الدّر المنضود فی أحكام الحدود**، تقرير: علی کریمی جهرمی، قم: دار القرآن الکریم.
- نجاشی، احمد (۱۴۱۶ق)، **فهرست اسماء مصنفی الشیعه (المشتهر برجال النجاشی)**، ج ۵، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- نجفی (صاحب جواهر)، محمدحسن (۱۴۰۴ق)، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام**، ج ۱۷ و ۲۳، ج ۳، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- نوری (محدث)، حسین (۱۴۰۸ق)، **خاتمه مستدرک الوسائل**، ج ۱، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث.
- همدانی، رضا (۱۴۱۷ق)، **مصباح الفقيه**، ج ۱۳، قم: مؤسسه الجعفریه.

- وحيڊ بهبهانى، محمدباقر (١٤١٦ق)، **الرسائل الاصوليه**، قم: مؤسسه وحيڊ بهبهانى.
- وحيڊ بهبهانى، محمدباقر (١٤١٥ق)، **الفوائد الحائريه**، قم: مجمع الفكر الاسلامى.
- وحيڊ بهبهانى، محمدباقر (١٤١٧ق)، **حاشيه مجمع الفائده و البرهان**، منشورات مؤسسه علامه المجدد الوحيد البهبهانى.
- وحيڊ بهبهانى، محمدباقر (١٤٢٤ق)، **مصاييح الظلام فى شرح مفاتيح الشرائع**، ج ٩، قم: مؤسسه علامه الوحيد البهبهانى.